

خطوط

میخی چطور خوانده شد؟



تعمیر

علی سامی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

خطوط میخی چطور خوانده شد؟

تلاش و کوشش خاور -
شناسان و دانشمندان اروپایی
از سده هفدهم میلادی به این
طرف برای رونویسی و بدست
آوردن رمز خطوط میخی تخته
سنگها، که سرانجام منجر به
کشف و خواندن آن شد،
باندازه ای شایان اهمیت و بحث
است که جا دارد از آن همه
کوششها یاد شود، تا معلوم
گردد خواندن نوشته های پارسی
باستانی که قسمت اعظم تاریکی -
های تاریخ دوران هخامنشی را
روشن ساخت، با چه مرارت و
تحمل سختی ها و بوسیله
چه دانشمندان و پژوهندگان
فراهم گردیده و اکنون بطور
ساده و آسان در دسترس ما قرار
گرفته است .

بقلم

علی سامی

اگر روشن بینی و کوششهای بوجود آورندگان خط میخی یعنی سومریها و همچنین مساعی آن اقوامی که آنرا ساده و آسان کردند و بصورت الفبائی در آوردند، یعنی پارسیان و هادیها، سبب شد که رویدادهای تاریخی و فرهنگ کشورهای شرق باستانی و ایران از هزاره ها و سده های پیش از میلاد بدون مضبوط گردد، کوششها و پژوهشهای دانشمندان اروپائی هم در سه سده اخیر سبب گردید که خط پارسی باستان که دوهزار و سیصد و اندی سال متروک و منسوخ شده بود، خوانده گردد و نکاتی مبهم از تاریخ این دسته مردمان که نگاهبان تمدن بشری بوده اند روشن شود.

مساعی این دانشمندان صرفاً از روی علاقه مفرط بروشن ساختن وضع تمدن گذشته بشر بوده که حتی پاره ای از آنها جان خودشان را هم بر سر این کار نهادند در حالیکه نمیدانستند در راهی که گام مینهند آیا امید کامیابی دارد یا نه؛ آنان هر چند که گنج ظاهری از اینهمه رنج نبردند، ولی نامشان جاودانی و خدماتشان ثبت تاریخ گردیده است.

دانشمندان اروپائی پس از جنگهای صلیبی در سده های دوازده و سیزده میلادی بسوی خاور زمین متوجه شدند و بتدریج بررسی و تحقیق در آداب و رسوم و ادبیات و زبان و خط و هنر و دانش مردم خاور زمین یکی از هدفهای اساسی کاروانان فرهنگی گردید.

آنهمه خاورشناسان و تاریخ نویسان ورهگذران، که از کنار آثار و سنگ نگارهای گذشتگان این دیار میگذشتند، نوشته هایی که همراه آن نقشها کنده شده بود، میدیدند، ولی به راز آن پی نمیبردند. کسانی هم که توجه بیشتری به خطوط کرده اند، آنها را نقش و علاماتی تصور نموده بودند که برای زیبایی و تزئین صحنه ها ترسیم شده بود، و بهیچوجه اندیشه اینکه این علامات خط و شرح زندگی و کارهای کسانی باشد که آن آثار را بوجود آورده و از خود بیادگار گذارده اند، در مخیله شان خطور نمیکرد. از سده هفدهم بتدریج این علامتهای زیبا و منظم توجه خاورشناسان و جهانگردان را

بخود جلب نمود، و سبب شد تا در نتیجه مساعی و دقت چندین نفر از آنها کلید رمز خط میخی پارسی باستان و سپس سایر خطوط بدست آید.

از دیر زمانی که به سده چهاردهم میلادی میرسد بسیاری از اروپائیان که به ایران آمدند، ویرانه های تخت جمشید را از نزدیک دیده و در سفرنامه های خود شرحی از آثار باقی مانده نوشته اند، « اودوریش فن پاردنن^۱ راهب «فرانسیسکائی^۲» در سال ۱۳۲۰ میلادی و «ژوزفات باربارو^۳» سفیر اهل «ونیز» حدود سال ۱۴۷۴ میلادی هنگام پادشاهی «اوزون حسن» فرمانروای ترك میباشند. ونیزی نامبرده بهند و عثمانی و ایران سفر کرد و سفرنامه اش نخستین بار در سال ۱۵۴۳ در ونیز و مجدد آ سال بعد در همان شهر منتشر شد و ترجمه انگلیسی آن بسال ۱۸۷۳ در لندن انتشار پیدا کرد.

در سال ۱۵۷۳ «جفری دوکت^۴» سفیر «رودلف دوم» (قیصر آلمان) در دربار شاه عباس و منشی او «گئورگ تکستاندر^۵» و در سال ۱۶۰۰ میلادی «هانریچ بوزر^۶» و در ۱۶۲۱ «گروس ندلیتز^۷».

همه این اشخاص تخت جمشید را از نزدیک دیده و درباره آن کم و بیش یادداشت هایی نوشته اند. ولی از خطوط و اشکال میخی بحثی نکرده و متوجه آن نگردیده بودند، و آنانی که دقت بیشتری کرده بودند مانند «س.س. ویت^۸» اشکال حروف را اثرات کرم خوردگی و موربانه تصور نموده بودند.

1- Odorich von Pardenon

۲- فرقه فرانسیسکائی پیروان فرانسوادسیز Francois Dasics که در سال ۱۲۰۹ میلادی این فرقه را تشکیل داد و در همان سال بامضاء پاپ رسید انگلندیها این فرقه را برادران خاکستری Grey Friars میگفتند.

3- Josephat Barbaro

4- Geoffrey du Chette

5- George Textandre

6- Henrich von Poser

7- Gross Nedlitze-

8- S. S. Witte

در اوائل سده هفدهم فردریک « دوک هلشتاین^۹ » در آلمان بندرگاهی ساخت بنام « فریدریکشتادت ». او برای رونق این بندر بر آن شد که مرکز تجارت ابریشم گیلان را در آنجا قرار دهد، تجارت ابریشم ایران در آن زمان مهم و مورد توجه کشورهای اروپائی بود. برای این منظور هیئتی را بعنوان سفیر روانه دربار ایران نزد شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ه. ق) جانشین شاه عباس کرد. « ادام الثاریوس^{۱۰} » دانشیار دانشگاه « لایپزیک » هم با سمت دبیری سفارت همراه این هیئت بایران آمد (۱۶۳۹ - ۱۶۳۵ م) ، این هیئت در اصفهان بحضور شاه صفی رسید و چون رئیس هیئت اخلاق و رفتار خشنی داشت ، اولثاریوس از آن هیئت جدا شد و بخدمت دولت روسیه درآمد و سپس به آلمان برگشت و در آنجا سفرنامه خود را درباره ایران و روسیه نوشت.

کتاب الثاریوس حاوی اوضاع آنروزی ایران بود و از آثار باستانی موجود در آن توضیحاتی داده شده،^{۱۱} و هم اوست که با کمک دو نفر ایرانیان ساکن آلمان (حقوردی و رضا) گلستان سعدی را بزبان آلمانی ترجمه و منتشر ساخت و همچنین در ایالت « شلزویک هولشتاین » علاقه خاورشناسی را بوجود آورد، و قسمتهای جالبی از آثار ادبی ایران را ترجمه و منتشر کرد. در اثر کوششهای او دانشگاه « گیل » در سال ۱۶۶۵ کرسی زبانهای شرقی را دایر کرد.

« انتونیو دو گوو^{۱۲} » سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانی و پرتغال در دربار شاه عباس بزرگ در سال ۱۶۵۶ در بازگشت از ایران از راه اصفهان بشیراز و بوشهر، گذارش هم به تخت جمشید میافتد و ضمن شرح باقی مانده آثار این

9- Frederick Duke of Holstein

10- A. Olearius

11- The Voyages and travels of Ambassadors sent by Fredrick Duke op Holstein, to the great duke of Musovy and the King of Persia London 1662

12- Intonio de Govoea

بنای معظم، به‌علامات و اشکال خطوط اشاره مینماید و حدس میزند که شاید نام سازنده کاخ باشد.

پیش از این خاورشناس نخستین اروپائی که در سال ۱۶۲۲ ضمن دیدار تخت جمشید، باین علائم برخورد، و چند علامت و حروف از خط‌ها را برای مطالعه و برررسی رونویس کرد و بسا خود به اروپا برد، «پیترو دولاوال^{۱۳}» ایتالیائی بوده وی اظهار داشته بود که این اشکال نمودار خطی است که از چپ بر راست نوشته شده است و این نخستین گام بزرگ برای کشف خط میخی و تعقیب موضوع از طرف سایر دانشمندان و پژوهندگان بعدی گشت.

این دانشمند نمونه‌های خط میخی را که رونوشت برداشته بود، بیکی از دوستانش «شیپائو» پزشک ناپل داد، او نیز رونوشت‌هایی از آنها بدوستانش داد. پیترو دولاوال از سال ۱۶۱۷ تا ۱۶۲۷ در فلسطین و سوریه و مصر و عراق و ایران و هندوستان بود از سال ۱۶۱۶ (۱۰۲۵ هـ. ق) تا فوریه ۱۶۲۴ (ربیع - الثانی ۱۰۲۳ هـ. ق) در ایران گذرانید و طرف توجه شاه عباس بزرگ بود. در ۱۶۲۶ پس از دیدار تخت جمشید و شیراز به بندر هرمز و سپس به بندر سورت و بهرم باز گشت و در دستگاه پاپ اوربن هشتم شأن و منزلتی حاصل کرد. کتاب او یکی از مهم‌ترین و درست‌ترین مدارک تاریخی آن زمان می‌باشد. «ژان شاردن»^{۱۴} جهانگرد و جواهر فروش و تاریخ نویس فرانسوی که در سال ۱۶۶۵ بایران آمد و طراح او «گرلو»^{۱۵} رونویس‌های زیادی از خط‌های میخی را تهیه کرد و در کتاب‌هایش که سه سال ۱۶۷۴ در چهار جلد منتشر گردید ضمن شرح مفصل ویرانه‌های تخت جمشید، چاپ شد. شاردن سه بار به تخت جمشید مسافرت کرده بود.

در ۱۶۸۵ «انگلبرت کمفر»^{۱۶} پزشک آلمانی ضمن گردش در ایران سه

13- Pietro De llavalle

14- Jean Chardin

15- Grelot

16-E. Kamfer

روزهم در تخت جمشید میماند و نامگذاری این خط به میخی ۱۷ از اصطلاحات و ابتکارات او می باشد .

« کورنلوس دو بروئن »^{۱۸} هلندی در ۱۷۰۴ هنگام دیدار تخت جمشید، از روی خطوط رونویس هائی برداشت . اوسه ماه در آنجا بماند و ۲۴ طرح از قسمتهای مختلف نقوش و آثار و خطوط کشید . سفرنامه اش که از نخستین مطالعات اروپائیان روی آثار تخت جمشید است ، در پنج مجلد در سال ۱۷۳۲ در آمستردام منتشر شد .

« کارستن نیبهر »^{۱۹} در سال ۱۷۶۱ در رأس هیئتی بدستور فردریک پنجم پادشاه دانمارک حرکت کردند و ده ها هزار کیلو متر در سرزمینهای راه پیمودند که تا پیش از آنها پای اروپائی به بسیاری از آنها نرسیده بود . قسطنطنیه ، قاهره ، مکه ، بمبئی ، ایران ، تخت جمشید ، بغداد ، حلب ، اورشلیم ، قبرس از جمله نقاطی بودند که مورد مطالعه نیبهر قرار گرفت . پژوهشها و نتایجی که از این سفر بدست آمد ، آنگونه ارزنده بود که مدت يك سده دانش اروپا نمیتوانست از آن صرف نظر کند .

تهیه مقدمات این سفر چه ارسال بطول انجامید ، تا اینکه در ۱۷۶۱ دو دانشمند دانمارکی بنام « فن هافن » و « کتر » کرامر « باتفاق پرفسور « فورسکال » سوئدی و نقاش آلمانی « باورنفلید » و یک خدمتگزار ، سفری را آغاز نمودند که از آن عده فقط کارستن نیبهر ۲۷ ساله زنده به وطن خود بازگشت و بقیه مردند .

هیئت نامبرده بسایک کشتی بادی از دریای اطلس بسوی مدیترانه رفتند و نخستین کارشان آغاز شد . نیبهر با آلات اندازه گیری که خود ساخته بود باندازه گیری کرانه ها و دریاها پرداخت تا اینکه به قسطنطنیه رسیدند .

17- Cunieform

18- Cornelius de Bruyns

19- C, NeiBuhr

پس از توقف کوتاهی کشتی بادی راه مصر را درپیش گرفت و یکسال در قاهره ماندند. نیبوه در آنجا بیاد داشت و ثبت آداب و عادات مصریان و مطالعه زبانها و برداشتن رونویس از خطوط باستانی مصر مبادرت کرد. وی همچنین اندازه گیری جدیدی از هرمهای مصر و ژرفای جزر و مدهای دریای سرخ بعمل آورد.

در پایان سال ۱۷۶۲ پنج دانشمند نامبرده بمقصد اصلی خود یعنی کشور یمن رسیدند. اینان نخستین اروپائینی بودند که باین سرزمین پا گذاشتند و ماهها باطراف و اکناف راه پیمودند تا اینکه نیبوه اولین نقشه کامل یمن را تنظیم کرد. این نقشه یکصدسال بعد مورد استفاده انگلیسیان قرار گرفت و با تغییرات مختصری امروز هم معتبر تلقی میگردد. اما بدین هنگام فورسکال سوئدی و فن هافن دانمارکی ناگهانی مردند و سایرین هم راه بمبئی را درپیش گرفتند. در بین راه دو نفر دیگر هم در گذشتند، بطوریکه هنگام ورود به بمبئی فقط نیبوه و کرامرزنده بودند. پس ازمذتی کوتاه دکتر کرامر هم بسرای جاودانی شتافت. علت بیماری و مرگ ناگهانی آن هیئت را مالاریا که در آن زمان در مان آن بخوبی ناشناخته بود، دانسته اند. نیبوه در اثر این وقایع و از دست دادن همراهان، از دیدار هندوستان صرف نظر کرد و از راه ایران باز گردید. او در تخت جمشید نخستین نقشه این کاخ عظیم و نمای قدیم را تنظیم نمود و از خطوط و سنگواره آن رونویسها و طرحهایی برداشت که بعدها منتج بکشف خط میخی گردید. نیبوه نام عبدالله را برای خود برگزید و سرانجام در نوامبر ۱۷۶۷ به کپنهاگ رسید.

ارزش کتابها و نقشهها و مجموعهها و کار ارزنده او ده سال بعد تشخیص داده شد. نیبوه در ۱۸۱۵ در سن ۸۲ سالگی در حالیکه کور و مفلوج شده بود، چشم از جهان بر بست. ولی همین نویسنده و دانشمند نابینا در اثر خدمات گرانبهایی که انجام داده بود، بدریافت نشان عالی دانمارک، عضویت آکادمی فرانسه و شوراها و کشفیات طبیعی نروژ و سوئد نائل آمده بود.

نیبوهر از روی قرائن و شواهد، نظریات پیترودولاوال را که گفته بود خطوط از چپ بر است نوشته میشود، تأیید و همچنین کشف کرد که نوشته‌ها به سه الفبای مختلف نوشته شده است. او ۲۴ علامت که همین علامات و حروف فعلی خط میخی پارسی میباشد تشخیص داد ولی چون اطلاعات کافی نداشت نتوانست تحقیق بیشتری بنماید.

گام مهم‌تر و عملی را «گورگ فریدریش گرتفند» آلمانی (۱۷۷۵-۱۸۳۵) برداشت. وی در ۲۷ سالگی دانشیار دانشگاه «گوتینگن» ۲۱ و مدرس زبان یونانی و لاتین شد و به انجمن دانشمندان و استادان آن دانشگاه توضیحاتی در اطراف خط میخی تقدیم کرد.

گرتفند با خود اندیشید که شاهان هخامنشی مانند شاهان ساسانی نبشته‌های خود را اینطور شروع کرده‌اند: «فلان شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه بزرگ، پسر فلان... شاه بزرگ، شاه شاهان...» که شاهنشاهان ساسانی هم بهمان نحو نبشته‌های خود را آغاز نموده‌اند. در نتیجه موفق شد که ۱۳ شکل مختلف از نامه‌های خاص را از سنگ نبشته‌های میخی کشف نماید، و دریافت که این خط سیلابی نیست بلکه الفبائی میباشد، و تصور نموده بود که دو خط دیگر مادی و بابلی است و از روی تطبیق نوشته‌ها باهم دید که واژه‌ای که در ابتدای سنگ نبشته‌ای قرار گرفته و حتماً نام پادشاه میباشد در نبشته دیگری مثلاً واژه سوم یا چهارم قرار گرفته نام پادشاهی است که سنگ نبشته اول را نوشته و سنگ نبشته دومی بنام پسر او میباشد. در نتیجه نام داریوش و خشیارشا و ویشتاسب را پیدا کرد و سپس واژه شاه و شاه‌شاهان را و بزرگ (وزرک) ۲۲ را که صفت بعد از واژه شاه و همه جا تکرار شده است، پیدا کرد و تشخیص داد.

20- Georg Fredrich Grotefend

۲۱- از دانشگاه‌های آلمان میباشد که در سال ۱۷۳۸ در شهر دانشگاهی Göttingen کتینگن تأسیس گردید.

از روی این حدس واژه‌های نام بنیانگزار و پسرش و واژه «پسر» را پیدا کرد. ولی يك اشکال بنظر او رسید که آنرا بزودی مرتفع ساخت و آن این بود که نمیدانست نام مؤسس و سازنده کاخ «کوروش» است یا «داریوش»، و البته تصور میکرد که شاید کوروش باشد. زیرا حتماً او بنیانگزار شاهنشاهی ایران و دولت بزرگ هخامنشی بود. ولی چون این واژه سنگ نبشته از هفت حرف ترکیب یافته و واژه کوروش شش حرف است، پس فهمید که نام کوروش نیست و همچنین پسر بانی کاخ کمبوجیه هم نیست زیرا حروف اول این دو نام (ك) و با هم برابر است، در حالیکه حرف اول دو اسم پادشاه مرقوم در سنگ نبشته‌ها دو حرف متفاوت میباشد. بنابراین حتم کرد که دو پادشاه کوروش و کمبوجیه نیست و باید داریوش و خشیارشا باشد. نام یونانی داریوش و نامی که از او در کتابهای یهود باقی مانده و همچنین اطلاعاتی که تورات از داریوش و خشیارشا میدهد، به فرضیه او کمک شایانی کرد و سه واژه از حروف میخی را بخوبی توانست بفهمد که معنی آن چیست و لسی البته تلفظ آنرا نمیدانست.

کوششهای این دانشمند تا حد زیادی بکشف راز خط میخی کمک کرد و راه را برای سایر دانشمندان و مجاهدین بعدی باز کرد. او خط میخی را در سال ۱۸۰۲ خواند ولی مدت‌ها کار و کشف مهم او ناشناخته ماند و مورد تأیید آکادمی گتینگن قرار نگرفت، و از بیم آنکه مورد استهزا واقع نشود از انتشار و چاپ آن خودداری کردند، و او تتبعات خود را ضمن کتاب یکی از دوستان چاپ کرد.

ضمناً «تو کسن»^{۲۳} «خاورشناس آلمانی و استاد دانشگاه «روستوک» متوجه علامت «که» مخصوص جدا کردن واژه‌ها از یکدیگر است گردید و کشف کرد که سه خط نوشته شده در سنگ نبشته‌ها سه زبان مختلف میباشد.

«ف مونتر^{۲۴}» دانشمند دانمارکی اسقف جزیره «زیلند^{۲۵}» هم در سال ۱۸۰۲ این مسئله را حل کرد که خط اولی الفبائی و دومی هجائی (عیلامی) و سومی تصویری است (آشوری) و حروف «آ» و «ب» را هم تشخیص داده بود.

در اینجا باید یادآور شود که نتیجه پژوهشهای دو دانشمند فرانسوی «انکتیل دو پرون^{۲۶}» که در سال ۱۷۶۳ بهندرفت و هفت سال در آنجا ماند و زبان سانسکریت و فارسی جدید را آموخت و در بازگشت اوستا را برای نخستین بار در ۱۷۷۱ چاپ رسانید و دیگری «سیلوستر دو ساسی^{۲۷}» که برای خواندن سنگ نبشتههای پهلوی سعی وافیه معمول داشته بود، کمکی به گرفتند نمود. زیرا سنگ نبشتههای شاهنشاهان ساسانی با جملههای: «شاه بزرگ، شاهشاهان، شاه ایران و غیر ایران، پسر فلان، شاه بزرگ، شاهشاهان» آغاز میگردد.

«سیلوستر دو ساسی» از خاورشناسان بزرگ فرانسه بود که جزو همراهان ناپلئون بناپارت بمصر رفت، چندی بعد بفرمان او جزو انجمن «پژوهشهای مصر^{۲۸}» در قاهره گردید که ریاست آن با «مونتر» عالم ریاضی دان مشهور و واضع هندسه ترسیمیه و نیابت آن نیز با خود ناپلئون بود. او همیشه ابلاغیههای زبان عربی سپاهیان بناپارت را در مصر انشاء میکرد، و به کمک مونتر و «سن هیلر» نه تنها رموز تمدن مصر را کشف و علم شناسائی مصر را کامل ساخته بلکه با خواندن خط پهلوی خدمت بس گرانبھائی بر روشن ساختن فرهنگ زمان شاهنشاهی ساسانی نموده است.

پس از گرفتند «راسموس راشک^{۲۹}» دانشمند دیگر دانمارکی (۱۷۸۷ -

24- F. Münter

25- Syaelland

26- Anquetil du Perron

27- Silvestre de Sacy

28- Institut D'Egypte

29- Rasmus Rask

۱۸۳۲) که به بیست و پنج زبان آشنائی داشت، علامت جمع آخر واژه‌ها را پیدا نمود.

راشک با کمک مالی پادشاه دانمارک مسافرتی بخاور زمین کرد، در پترزبورگ (لنینگراد کنونی) به تحصیل زبان فارسی و ارمنی و عربی پرداخت. در ۱۸۱۹ از راه قفقاز و تبریز به تهران آمد و از آنجا به اصفهان و تخت جمشید و شیراز رفت. در تخت جمشید به بررسی سنگ نبشته‌ها پرداخت و از راه بوشهر به بمبئی رفت و با پارسیان هند آشنا شد و بگردآوری متن‌های پهلوی و اوستائی پرداخت. او دو حرف از الفبای میخی را بصورت جمع و مضاف الیه پیدا کرد.

راشک ثابت کرد که زبان اوستا با سانسکریت فرق دارد و چون زبان سانسکریت را خوب میدانست، ترجمه اوستا را که تا زمان او بعضی مغلوپ بوده تصحیح کرد. او از پیشگامان پژوهندگی در زبانهای هندواروپائی بود و ضمن مسافرت بکشورهای خاور زمین بین سالهای (۱۸۱۹ تا ۱۸۲۳) مجموعه‌های گرانبھائی از متن‌های اوستائی و پهلوی را با خود به کینهاگ برد. او رساله‌ای بزبان دانمارکی درباره زبان اوستائی و زندنوشته و ثابت کرد که زبان اوستائی زبان کهن و مستقلمی است.

پس از گرفتند خاورشناس فرانسوی «بورنوف» در سال ۱۸۲۳ از روی صورت‌های هلتها اشکال و علائم را تا حدی مشخص نمود. وی پس از آنکه مطالعه خود را روی یسنا با تمام رسانید از روی اطلاعات و رونویس‌هایی که «شولتز» از سنگ نبشته‌های الوند و وان تهیه کرده بود، مشغول مطالعه روی نبشته‌های میخی پارسی شد. بورنوف واژه‌ها و رموز را خواند و معلوم داشت که زبان سنگ نبشته‌های پارسی باستان بازبان اوستا اختلاف دارد. او فهرست نام کشورهای نوشته شده در سنگ نبشته‌ها را بوش را بدست آورد، پرفسور «لاسن»^{۳۲}

30- Burnouf

31- Schultze

32- Lassen

استاد زبان سانسکریت اهل نروژ در سال ۱۸۳۵ تلفظ بعضی از حروف را تشخیص داد و سپس دو دانشمند دیگر «بیر آلمانی ۳۳» و «ژا که ۳۴» دنباله پژوهشهای او را گرفته و اشتباهاتی که کرده بود، مرتفع نمودند.

سرها نری راولینسن : ۳۵ در همان اوانی که گرفتند و سایر دانشمندان اروپائی تلاش برای کشف خط پارسی باستان و خواندن آن مینمودند، یک افسرجوان انگلیسی نیز بدون اینکه از پیشرفت دیگران در این راه اطلاعات کافی داشته باشد، مدت دو سال در کوه بیستون در برابر سنگ نبشته آنجا مشغول رونویس برداری و بررسی این خطوط بود و پس از بیست سال پژوهش پی گیر، موفق بخواندن نوشته ها شد و معمای بزرگ خط میخی را حل کرد.

خواندن نبشته های میخی پارسی، مقدمه خواندن سایر نوشته های میخی چون عیلامی و بابلی، اکدی، سومری، هیتی، اورارتوئی گردید، و بمنزله کلیدی بود که درهای بسته تاریخ کشورهای شرق باستانی و آسیای غربی را باز کرد.

راولین سن یکی از معروفترین و بزرگترین خاورشناسان سده نوزدهم میلادی است که خدمت بس گرانها و شایان تقدیری بروشن ساختن تاریخ باستانی ایران کرده است. وی در ۱۱ فوریه سال ۱۸۱۰ در «چاولینگن» چشم بدنیا گشود. هنگامیکه هیجده سال داشت در سال ۱۸۲۷ به هندوستان رفت و بنا به تشویق «سرجان ملکم ۳۶» فرماندار بمبئی و شرق شناس و افسر عالی مقام انگلیسی مشغول فرا گرفتن زبان فارسی شد و چون شوق زیادی به اینکار داشت بطوری پیشرفت کرد، که در سال ۱۸۳۳ یکی از دانایان زبان فارسی گردید. دانستن زبان فارسی و عشق به فرا گرفتن تاریخ و ادبیات ایران،

33- Beer

34- Jaquet

35- Sir Henry Rawlinson

36- Sir John Malcolm

سبب گردید تا بهمراهی هشت تن افسرانی که برای آموزش فنون نظامی به سربازان ایرانی از انگلستان اعزام میشدند ، رهسپار ایران گردد. ۳۷

راولین سن در عبور از تخت جمشید ، موفق شد رونویسی از خطوط میخی آنجا بردارد و با خود ببرد (۱۸۳۳) و چون خوش صحبت و گرم و خوش معاشرت بود ، بزودی دوستان و یارانی در ایران پیدا کرد و با دسته‌های مختلف مردم آشنائی یافت .

در سال ۱۸۳۵ در رکاب شاهزاده بهرام میرزا برادر محمد شاه قاجار فرمانفرمای کرمانشاهان مأمور آن دیار گردید . او بخوبی از این مأموریت استفاده کرد و نزدیک بدو سال تا ۱۸۳۷ میلادی در کوه بیستون مشغول سواد برداری از نبشته‌های میخی داریوش بزرگ گردید . ولی بواسطه اختلافی که بین دولت ایران و انگلیس پیدا شد ، ناچار گردید ایران را ترک نماید و کمی بعد برای ادامه مطالعات خود وارد خدمات سیاسی در عراق شد و بدینوسیله خود را به بیستون نزدیک ساخت و یکبار دیگر نیز در سال ۱۸۴۳ نبشته‌ها را مورد معاینه قرار داد . راولین سن از ۱۸۳۷ تا بیست سال روی این نبشته‌ها کار کرد و زحمت کشید . بر اثر کار زیاد و تلاش پی گیر و مرارت مطالعه شبانه‌روزی که برای رونویس برداری و خواندن خطوط میخی بیستون متحمل گردیده بود ، در ۱۸۵۲ میلادی بیمار گردید و ناچار بلندن رفت و پس از بهبودی باز دنباله کارهای خود را گرفت .

راولین سن در بغداد با گرفتند نیز آشنا گردید و با آن دانشمند که خود سالها روی خط میخی پارسی کار کرده بود مباحثات و همکاریهایی داشت . نتیجه مساعی و مطالعات راولین سن در سال ۱۸۵۷ مورد توجه انجمن آسیائی پادشاهی ۳۸ لندن گردید و انجمن نامبرده به هر یک از چهار نفر پژوهنده ؛

۳۷- پس از بسته شدن پیمان ترکمانچای دولت ایران برای اصلاح و تقویت قشون خود از دولت انگلیس تقاضای اعزام چند نفر افسر کرد . راولین سن یکی از همانها بود .

(«هینکس»^{۳۹} ایرلندی - «فوکس تالبوت»^{۴۰} انگلیسی - «یولیوس اپر»^{۴۱} متولد هامبورگ و استاد دانشگاه «سوربن» - راولین سن) يك نسخه نوشته تکلالت پالاسار اول پادشاه آشور را که تازه بدست آمده بود، داد تاهر کدام جدا گانه و به تنهایی آنرا ترجمه کنند و نتیجه را اطلاع دهند پس از گذشتن وقت مقرر پا کتها گشوده شد و نتیجه بررسی و مطالعه هر چهار دانشمند خواننده خط میخی شبیه هم بود و اختلاف چندانی نداشت.

پژوهشها و مطالعات راولین سن در شماره دهم مجله انجمن آسیائی پادشاهی درج و منتشر گردید و بیاس این خدمت گران بها دولت ایران نشان شیر و خورشید و ملکه ویکتوریا لقب (سر Sir) و انجمن آسیائی نشان طلا باو داد. وی در ۱۸۹۰ در لندن در گذشت.

راولین سن از خاور شناسان بنام سده نوزدهم میلادی است که برای روشن ساختن نکات مبهم تاریخ قدیم ایران و ترجمه سنگ نبشته های هخامنشی مساعی و زحمات فراوانی کشیده است که شایان توجه و تقدیر میباشد.

در همان هنگام که گروتفند و راولین سن سرگرم خواندن خط های میخی ایران و شرق باستان بودند، سایر دانشمندان و کاوشگران اروپائی در ویرانه های آشور مشغول کند و کوب بودند تا از سنگ نگاره ها و آثار مربوط بآن دوره اطلاعات بدست بیاورند. از حسن اتفاق در همین اثنا بکتابخانه بزرگ آشوربانی پال که بیش از سی هزار خشت نبشته گلی در آن بود دست یافتند، و در نتیجه مقداری از خط های آشوری و سومری در دسترس پژوهندگان بویژه دو دانشمند نامبرده قرار گرفت. در بین خشت - نبشته های این کتابخانه تعدادی لوح حاوی فهرستی از واژه ها بسه زبان آشوری و بابلی و سومری بود که خود تسهیلاتی برای پیدا کردن مفتاح خطوط میخی گردید.

39- Hincks

40- Fox Talbot

41- Julius Oppert

انجمن آسیائی پادشاهی لندن: یکی از مجامع قدیمی و مفید فرهنگی

جهان است که در پانزدهم مارس ۱۸۲۳ میلادی تحت ریاست «هانری تامس - کول بروک»^{۴۲} و چند تن دیگر از دانشمندان و خاورشناسان عصر مانند «سرجان ملکم» و «سرجرج استن تن»^{۴۳} تشکیل گردید. ریاست افتخاری آن بپادشاه انگلستان بود و «هی تینگس»^{۴۴} و «ولزلی»^{۴۵} دو نفر از مجلس اعیان نیز نایب رئیس افتخاری آن گردیدند و سپس «چارلز وات کین ویلیامز»^{۴۶} رئیس انجمن شد. در سال ۱۳۲۴ فرمان دولت برای ابقا و ادامه کار این انجمن صادر گشت و در ۱۸۲۸ بودجه معینی جهت ترجمه کتاب و تألیفات شرقی بنام «بنگاه ترجمه و نقل کتابهای شرقی»^{۴۷} اختصاص داده شد.

وارن هی تینگس در اوائل سال ۱۷۵۰ (۱۱۶۴ ه. ق) چهارسال پس از مرگ نادرشاه افشار بخدمت کمپانی هند شرقی وارد شد و در زمان سلطنت کریمخان زند فرمانروای بنگال گردید. او از خاورشناسان برجسته و فارسی-دانان بزرگ انگلیسی شمرده میشود. دانشمندان ایرانی را سخت گرامی میداشت و بهزینه شخصی خود بچند تن از پژوهندگان ایرانی که در کلکته ساکن بودند حقوق داد تا برای کتابخانه شخصی وی چندین کتاب مهم تاریخی را از سانسکریت و عربی بفارسی ترجمه کنند.

منظور از تأسیس انجمن آسیائی پادشاهی لندن، مطالعه و تحقیق درباره دانشها و هنر و آثار باستانی و ادبیات و خط و دینهای باستانی و چاپ و نشر نوشته و پژوهشهای دانشمندان و ایراد گفتارهای علمی میباشد. نخستین گزارش این مجمع در سال ۱۸۲۷ میلادی چاپ و منتشر گردید و در سال ۱۸۳۴ نشریه این انجمن بنام «مجله انجمن آسیائی شاهی» از چاپ بیرون آمد و در عرض ۳۷ سال بیش از یکصد جلد کتاب منتشر ساخت.

42— Henry Thomas Col. Brocke

43— Sir Gorge Stonton

44— Warren Hatings

45— Welzley

46— Charles Watkin Williams

47— Oriental Translation fond

یکی از شعبه‌های این انجمن فرهنگی، پژوهشها در باره فرهنگ و هنر و آثار باستانی ایران و زبان و خط آن میباشد. سرشناس‌ترین اعضاء این شعبه: سر جان ملکم و سرهانری راولین سن و پرفسور ادوارد براون و لارنس هی‌ورث میلز^{۴۸} متخصص در اوستا بوده‌اند.

این انجمن تا کنون بسیاری از کتابهای تاریخی و ادبی فارسی از قبیل روضةالصفاء، لوايح جامی، تزوك جهانگیری، نزهت القلوب حمدالله مستوفی، چهارمقاله عروضی، دیوان ملکى شیروانی، تاریخ جهانگشای جوینی و غیره را چاپ و انتشار داده‌است.

قدیمی‌ترین انجمن آسیائی، انجمن «باتاویا» میباشد که در سال ۱۷۸۱ میلادی در باتاویا پایتخت جاوه تأسیس گردید و پس از آن انجمن آسیائی بنگال است که در سال ۱۷۸۴ در کلکته توسط سرو ویلیام جونز^{۴۹}، خاورشناس معروف انگلیسی مؤلف تاریخ نادرو مؤلف اولین دستور زبان فارسی (که به او جونز ایرانی لقب داده‌اند) تشکیل شد. همانند این مجامع آسیائی در بمبئی و مدرس از سالیان درازی بوجود آمده‌است.

انجمن آسیائی پاریس^{۵۰} یکسال قدیمتر از انجمن آسیائی لندن است یعنی در سال ۱۸۲۲ میلادی توسط سیلوستر دوساسی^{۵۱} در پاریس تشکیل شد و تا کنون بیش از دو بیست جلد کتاب و مجله بنام «مجله آسیائی پاریس»^{۵۲} حاوی پژوهشها و نوشته‌های خاورشناسان منتشر کرده‌است. آلمانیها هم از ۱۸۴۴ مبادرت به تشکیل چنین مجمعی نمودند.

48— Laurence Hey Worth Mills

49— Sir William Johns

50— La Societe Asiatique

51— Silvestre de Sacy

52— Journal Asiatique

علاوه بر دانشمندان و خاورشناسانی که اشاره به کارها و خدماتشان شد اشخاص دیگری هم در راه رونویسی یا خواندن و ترجمه خط‌های میخی کوشش و کمک کرده‌اند مانند: جمز ریچ کلود^{۵۳}، نماینده دولت انگلیس در بغداد، وستر گارد^{۵۴} دانمارکی (۱۸۵۱ تا ۱۸۷۵) که موفق به کشف متن‌های عیلامی شد و مجموعه گرانبهائی از این نوشته‌ها با خود به کپنهاگ برد. چارلز نکسیه^{۵۵} (۱۸۳۸) فلانندن^{۵۶} و کست^{۵۷} فرانسوی (۱۸۴۱) لفتوس^{۵۸} (۱۸۵۲) انگلیسی دیولافوا^{۵۹} فرانسوی (۱۸۸۴) آندراس^{۶۰} و اشتولزه^{۶۱} آلمانی (۱۸۷۶) که عکس سنگ‌نبشته‌ها را برداشت و به‌مراهی نلد^{۶۲} که کتابی نوشت، بانگ^{۶۳} بارتولومه^{۶۴}، بولنسن^{۶۵}، فوی^{۶۶}، هالوی^{۶۷}، هیتزیک^{۶۸}، هوبشمن^{۶۹}، کرن^{۷۰}، اپر^{۷۱}، ویلیام جکسن^{۷۲}، ویسباخ^{۷۳}، هربرت تلن^{۷۴}، جانسن^{۷۵} لون استرن^{۷۶}، در ۱۸۳۶، محقق لهستانی ولادیسلاس خوجیکویچ^{۷۷}، (۱۸۴۷) یانوس سیدارووسکی^{۷۸} مجسارستانی، در سال ۱۹۳۶ تحقیقاتی روی نبشته

- | | |
|---------------------------|-----------------------|
| 53- Claud James Rich | 54- Wester Gard |
| 55- Charls Texier | 56- Flandin |
| 57- Cost | 58- Loftus |
| 59- Dieulafoy | 60- F. C. Andreas |
| 61- Stolze | 62- Noldeke |
| 63- Bang | 64- Bartholomee |
| 65- Bollenson | 66- Foy |
| 67- Halevy | 68- Hitzig |
| 69- Hubschmann | 70- Kern |
| 71- Oppert | 72- Wiliam Jackson |
| 73- Weisbach | 74- Herbert Tolman |
| 75- Johnson | 76- Lowen Stern |
| 77- Wladislas Chodkiewicz | 78- Janos Szidarovski |

داریوش^{۷۹} کرد. گری^{۸۰} در ۱۹۰۲ در نیوه‌اون تحقیقاتی روی سنگ نبشته بیستون انجام داد. هینز^{۸۱}، (خاورشناس آلمانی معاصر) ژرژ کامرون^{۸۲} کنت^{۸۳} (۱۹۵۲).

کتابهای معروفی که توسط این دانشمندان انتشار پیدا کرده است :

۱- دارمستتر : مطالعات مربوط بایران^{۸۴} جلد اول چاپ اشپیگل^{۸۵} (لایپزیک ۱۸۶۲) بحروف لاتین و ترجمه بزبان آلمانی چاپ کاسویچ^{۸۶} (در سن پترزبورگ - ۱۸۷۲)

۲- سنگ نگاره و سنگ نبشته داریوش بزرگ بر کوه بیستون چاپ لندن ۱۹۰۷ تألیف کینگ و تامسن مشتمل بر متن میخی و ترجمه انگلیسی سنگ نبشته^{۸۷}.

۳- لغت پارسی باستان تألیف تلمن چاپ نیویورک ۱۹۰۸ شامل متن میخی و ترجمه و لغت نامه و توضیحات دستوری^{۸۸}.

۴- سنگ نبشته‌های هخامنشی تألیف ویسباخ چاپ لایپزیک ۱۹۱۱ شامل متن‌های فرس هخامنشی، عیلامی و بابلی و ترجمه آنها^{۸۹}.

79- Darajavaus Feliratal

80- L. H. Gray

81- Hinz

82- Cameron

83- Kent

84- Etudes Iraniennes Darmesteter

85- Spiegle

86- Kossowicz

87- L. W. King R. C. Thompson the sculptur and inscription of Darius the great on the Rock of Behistun in Persia London 1907

88- H. C. Tolman Ancient Peraian lexion and the texts, New York; 1908 cunieforn supplement 1910

89- F. H. Weissbach Die Kelinschriften der Achameniden Leipzig 1911, Die Altepersischen inchrifton Leipzig 1893.

- ۵- نبشته‌های پارسی باستان تألیف هر تسفلد چاپ برلن ۱۹۰۸.
- ۶- ژرژ کامرون الواح گلی تخت جمشید چاپ شیکاگو ۱۹۴۸ شامل متن عیلامی و ترجمه لوحه‌های گلی ۹۰.
- ۷- پارسی باستان چاپ نیویورک تألیف کنت ۱۹۵۰ شامل کلیه نبشته‌های میخی پارسی باستان با ترجمه و فهرست لغات و دستور ۹۱.
- ۸- فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی تألیف آقای شارپ استاد سابق دانشکده ادبیات دانشگاه پهلوی بزبانهای پارسی و انگلیسی و فرانسه چاپ شده، توسط شورای جشن شاهنشاهی ایران شامل ترجمه تمام نبشته‌های میخی پارسی و دستور این زبان ۹۲.

خاورشناسان و استادان خط‌های باستانی که برای ترجمه خط سومری

کوشش کرده‌اند :

- ۱- فرانسوا تورودانگن فرانسوی ۹۳
- ۲- آنتوان دایمل از دانشمندان و اتیکان که برای خط میخی لغت نامه نوشت ۹۴.
- ۳- ادوارد شی‌یرا استاد دانشگاه شرقی شیکاگو ۹۵

- 90- G. G. Cameron, Persepolis treasury tablets Chicago 1948.
- 91- R. G. Kent, old Persian New York 1950.
- 92- The inscriptions in old Persian Cunieform of the Achaemenian Emperors, the reverend Ralph Norman Sharp, M.A. Cantab.
- 93- Francois Thureau Dangin
- 94- Antoin Deimel
- 95- Edward Chiera

- ۴- ادم فالکنشتاین استاد دانشگاه هایدلبرگ^{۹۶}
 ۵- تور کیلدیا کوبسن عضو بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو^{۹۷}
 ۶- بنوکانزبرگر^{۹۸}
 ۷- آرنو پوابل^{۹۹}
 ۸- ساموئل کریمر استاد دانشگاه فیلا دلفیا^{۱۰۰}



- 96- Adam Falkenstein
 97- Thorkild Jacobsen
 98- Benno Canesberger
 99- Arno Poebel
 100- Samuel Kramer